



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۴/۰۳

صلاح الدین سعیدی

در مذاکرات صلح باید طالب جز کل باشد!

در مذاکره و مصالحه سیاسی بین الافغانی که ضرورت است، باید همه جوانب مانند اجزای مذاکره باشند، ترکیب، جز کل باشند و نه کل! به این معنا که ایشان تمثیل و اکت صاحب خانه کنند و دیگران را زیرین خویش بدانند. هر نوع بلند پروازی و خود را ناف زمین جلوه دادن، توهین به دیگران و عواقب بس بدی خواهد داشت و دارد!

اما اگر درین مذاکرات صلح پیشبینی شده در چند روز آینده در بین آمریکا، پاکستان، طالب حاکمیت کابل و افغانی، صرف جانب پاکستان و طالب تعیین کنند که کی به دربار شان بیاید و میپذیردش و کی را نمی پذیرند، جانب طالب محور شود و دیگران به دور آن بچرخند که چنین نمایش داده میشود، این باز هم توهین به تمام جوانب دیگر افغانی قضیه است که به چنین تلاش نباید بی تفاوت و منفعل بود.

اگر در مذاکرات قطر ملا هیبت الله رهبر یک گروه از طالبان حضور می یابد، بهتر است از جانب کابل نماینده خاص ریاست جمهوری افغانستان در قطر در تبادل نظر اشتراک و بحث بر میکانیزم و راههای رسیدن به صلح و استقرار، جهت بحث، سخن و توافق اشتراک کند!

به یقین این بحث و توافق باید مقدمات و تدابیر باشند که ملت افغان تصمیم گیرنده اصلی شود. فهم و برداشت بالاتر ازین خطا و بالاتر از صلاحیت ایشان خواهد بود و است!

اشتراک افراد شورای عالی صلح نیز از نام حکومت بخاطر اقل شکل به خاطر منتفی است، که سالهای سال شورای عالی صلح اکت میکرد و خود را مرجع سوم مذاکره کننده و خیر آورنده معرفی کرده و حال چگونه به نمایندگی از حکومت افغانی رول اجراء خواهد کرد؟

مسلم این است که حکومت افغانستان باید در مذاکرات بین الافغانی سهم فعال داشته باشد و به کسی، به پاکستان و یا حرکت طالب حق نه دهد که افاده کند با کی و کدام افراد می نشینند و کی حق حضور یابی به حضور شان را دارد و کی نه؟

بلی اشتراک رهبران حکومت وحدت ملی در همچو موارد چون این نشستهای کاملاً مقدماتی اند، کار خطا است.

مسایل باید مورد بحث قرار گرفته و چوکات بندی شده و بعداً جهت تصامیم و امضاء نهایی شدن به حضور مقامات دست اول از جانب اطراف قضیه توافق کننده به امضاء برسند.

وجود تضمین های جهانی با تجربه از موافقات ژنیو در مورد افغانستان (۱۹۸۹) و قرار تجارب موافقات اجراء نه شده حکومت کابل و جانب حزب اسلامی (۲۰۱۸) بدون تطبیق و سخت متأثر کننده است. لذا

جریانات جلسات و اشتراک کننده های نشستهای صلح باید تمام، ثبت آواز ثبت و از بین شان کمیته تسوید قطعنامه و مصوبات ممکن چند مرحله ای در ابتداء در جریاب بحث ها روشن شود!

باید قبول کرد و دانست که این کنفرانس ها و نشستهای بزرگ خود هدف نه بلکی نتایج حاصله از آن در عمل چه نوع اجراء شود، مرکز بحث اند و مهم اند. نشستها و کنفرانسها تعهد برای اجرای کار اند، نه خود کار.

در کنفرانسها و نشستهای مصالحه سیاسی و مذاکرات تصامیم و توافق بر مسایلیکه اختیار ملت اند، روش خطا و غیر قابل قبول اند!

اینکه حق زن و حق مرد از کجا آغاز و به کجا ختم میشود این در فهم اسلامی و تعبیر موجود در بین اهل خبر و حال حتی ملت روشن اند. فیصله ها درین خصوص در کنفرانسهای چینی خطا و خارج از صلاحیت ایشان و ضیاع وقت است!

آنهاییکه به تغیر فهم و تغیر موضع مثلاً حرکت طالب درین خصوص زنان در کنفرانسهای صلح باورمند هستند در واقعیت خادمان طالب و تغیر طالب به استقامت است تا در جامعه و فهم اسلامی درست شده و برای قوت حرکت طالب و دادن جایگاه برای شان در جامعه تلاش دارند. این خوش خدمتی مبنی بر اینکه طالب تغیر کند و این خدمت برای طالب اصلاً ضرورت نیست. طالب و هر جانب دیگر با هر اندیشهء باشد که دارد اما یگانه چیزی که باید همه قبول کنند آن مشروعیت حاکمیت و مشروعیت تطبیق نسخه باید از مرجع ملت و در حالت ما اکثریت قاطع ملت مسلمان افغانستان باشد و شود!

در بقیه موارد همه صحت و سقم مشروعیت تطبیق برنامهء خویش را باید از ملت بدست آورد و این راه در شرایط امروز بشری و در عالم اسباب همان رفتن به انتخابات است. هر وسیلهء دیگر غیر مشروع است! طریق کار دولتها و جوامع با روشهای درست همین و چنین است.

بدون تبادل نظر مقدماتی و بدون صحبتهای مقدماتی اشخاص دست اول رفتن به این نوع از مذاکرات کار خطاء و عجله با عواقب حد اقل جانبی بسیار بد است.

و ماعلینا الا البلاغ المبین